

چرا باید رسانه «ایران اینترنشنال» و هیئت همراه را تحریم کرد؟

بادست خودتان سم نخورید



علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

دروازهایی که ایران و رژیم صهیونیستی در یکی از پرتش‌ترین دوران‌های خود قرار دارند و تبادل آتش و تهدیدهای امنیتی به بالاترین سطح خود رسیده، یک جبهه دیگر در این نبرد شکل گرفته که کمتر از جنگ نظامی نیست: «جنگ رسانه‌ای». رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین مانند ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و منوتو در این میدان، نه تنها در کنار مردم ایران نایب‌نماده‌اند، بلکه به‌طور مشهودی در حال مشروعبیت‌بخشی به جنایات اسرائیل هستند.

در حالی که حملات اسرائیل به خاک ایران، تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور را هدف گرفته است، این رسانه‌ها با انتخاب واژه‌ها و تیتروهای کاملاً حساب‌شده، سعی در عادی‌سازی و حتی توجیه این حملات دارند. اینترنشنال زمانی که اسرائیل به مراکز نظامی در ایران حمله کرد، تیر زد: «حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی» اما زمانی که ایران پاسخ داد و به اراضی اشغالی حمله موشکی کرد، تیر به شکل کاملاً متفاوتی نوشته شد: «حمله موشکی ایران به اسرائیل».

در نگاه اول شاید این تفاوت واژگان کم‌اهمیت به نظر برسد، اما در واقعیت، این همان تکنیک ظریف جنگ روانی است. در تیر اول، نام «ایران» حذف شده تا ذهن مخاطب از «کشور» فاصله بگیرد و تنها به «حکومت» فکر کند؛ یعنی انگار اسرائیل به حکومتی مهاجم حمله کرده، نه به کشوری مستقل. اما در تیر دوم، با آوردن نام ایران، حمله ایران به‌عنوان اقدامی مهاجمی و نه تدافعی، القا می‌شود. این تحریف، نه از روی بی‌دقتی، بلکه در راستای استراتژی اطلاع‌رسانی مغرضانه است.

دست در جیب بی‌بی

این رسانه‌ها به لحاظ مالی مستقل نیستند. بی‌بی‌سی فارسی یکی از بخش‌های وابسته به سرویس جهانی بی‌بی‌سی است که بودجه آن از سوی وزارت خارجه بریتانیا تأمین می‌شود. در واقع، بخشی از سیاست خارجی دولت بریتانیاست و طبیعتاً نمی‌تواند بی‌طرف باشد، به‌ویژه زمانی که پای منافع اسرائیل یا آمریکا در میان است.

ایران اینترنشنال نیز ارتباطات مالی بسیار مشکوکی دارد. در سال‌های گذشته گزارشاتی منتشر شده که نشان می‌داد اگرچه این شبکه از سوی عربستان سعودی تأمین مالی می‌شد، اما بعدها اسرائیل جای آن‌ها را گرفت و سیاست خبری این شبکه همواره با اهداف رسانه‌ای رژیم صهیونیستی هم‌پوشانی پیدا کرد. طبیعی است که رسانه‌ای که از جیب دشمن ایران تغذیه می‌شود، نمی‌تواند در بزنگاه‌های حساس، روایتگر حقیقت باشد.

منوتو هم از این قاعده مستثنی نیست. ساختار محتوایی این شبکه به گونه‌ای طراحی شده که ضمن نمایش جذابیت‌های بصری، با محتوای به ظاهر سرگرم‌کننده، در لایه‌های زیرین خود، به تبلیغ سبک زندگی وابسته به غرب، تحقیر فرهنگ ایرانی و تحریف تاریخ ایران می‌پردازد. این شبکه که منتسب به خانواده پهلوی و در رأس آن رضا پهلوی است که تلاش زیادی می‌کند تا به‌عنوان متحد نتانیاهو پذیرفته شود، در لیست فاندبگیران ایالات متحده قرار داشت و بعد از قطع فاند‌ها صدای اعتراضش درآمد.

ماشین تبلیغات ضد ایرانی در حال کار است

نباید فراموش کرد که در شرایط جنگ، رسانه‌ها تنها وسیله اطلاع‌رسانی



نیستند؛ آن‌ها بخشی از عملیات روانی محسوب می‌شوند. وقتی مخاطب ایرانی، ناآگاهانه یا از روی عادت، به تماشای این رسانه‌ها می‌نشیند، ناخودآگاه در معرض بمباران خبری قرار می‌گیرد که طراحی شده برای تحقیر، تفرقه‌افکنی و القای ناآرامی و ناامنی. این رسانه‌ها، نه تنها در تحلیل‌ها بلکه حتی در انتخاب اخبار هم اولویت‌های دشمنان ایران را بازتاب می‌دهند. آن‌ها حتی سعی می‌کنند نظامیان صهیونیستی که کشته می‌شوند را در پوشش غیرنظامی و خبر فوری و ویژه مخابره کنند، اما هیچ واکنش منصفانه‌ای نسبت به ده‌ها کودک شهیدشده ایرانی ندارند. در ایمن زمان آنچه برای آن‌ها اهمیت می‌یابد، «واکنش بازارهای جهانی به درگیری‌ها» است، نه فاجعه انسانی رخ‌داده.

در چنین شرایطی، استفاده از کلیدواژه «تحریم رسانه‌های فارسی‌زبان» نه تنها یک واکنش احساسی، بلکه یک ضرورت راهبردی است. این رسانه‌ها، اگرچه به زبان فارسی سخن می‌گویند، اما به هیچ‌وجه «رسانه‌های ایرانی» نیستند، بلکه به‌روشنی، نیروهای رسانه‌ای دشمن به‌شمار می‌آیند. پس مخاطب ایرانی باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد اندیشه و ذهنش را در اختیار این ماشین تبلیغاتی قرار دهد یا نه؟

خبرنگاران ایرانی را ترور کنید!

جنبه خطرناک‌تر ماجرا، فراتر از جنگ روانی، به تهدیدهای مستقیم علیه خبرنگاران ایرانی برمی‌گردد. روز گذشته، یک روزنامه‌نگار صهیونیست در توییتی نوشت: «تعداد بی‌سابقه‌ای از پیام‌ها را از ایرانی‌ها دریافت می‌کنم که از ارتش اسرائیل می‌خواهند صداسویما جمهوری اسلامی را هدف قرار دهند. این موضوع مهم است، چون یکی از آخرین سنگ‌های رژیم است و به‌عنوان نماد عمل می‌کند.» این روزنامه‌نگار در ادامه ادعا می‌کند که رسانه‌ها در ایران مردم را تهدید کرده و اخبار را سانسور می‌کنند. این در حالی است که از آغازین ساعات شروع درگیری، سانسور آمار تلفات صهیونیست برای همه محرز شده است.

ایسن توییت، در ظاهر حرف از «حمایت از مردم» می‌زند، اما در واقع،

دعوت آشکار به حمله به نهادهای رسانه‌ای و ترور خبرنگاران ایرانی است. عجیب‌تر آنکه رسانه‌هایی مثل ایران اینترنشنال یا بی‌بی‌سی فارسی، هیچ‌گاه به چنین موضوع خطرناکی واکنش نشان نمی‌دهند؛ چراکه خود نیز بخشی از همین جبهه‌اند.

وقتی اپوزیسیون هم می‌فهمد اما اینترنشنال نه

در میان هیاهوی رسانه‌ای و نبرد روایت‌ها، گفت‌وگویی که علی افشاری، فعال اپوزیسیون با شبکه ایران اینترنشنال انجام داد، خود گواهی روشن از سردرگمی و افشای چند تناقض اساسی در منطق رسانه‌ای این جریان است. درحالی‌که علی افشاری به عنوان یک مخالف جدی جمهوری اسلامی شناخته می‌شود، اما در این مصاحبه، برخلاف انتظار مجری شبکه، صراحتاً از مهاجم اسرائیل به ایران انتقاد می‌کند و آن را تجاوز، نامشروع، غیرقانونی و برهم‌زننده نظم منطقه‌ای می‌خواند.

مجری با القای این تصور که «در ایران سمپاتی به اسرائیل وجود دارد» و اینکه «اگر اسرائیل باعث سقوط نظام ایران شود، این به نفع مردم ایران است»، به‌وضوح سعی در جهت‌دهی گفت‌وگو دارد. اما افشاری با لحنی قاطع، هشدار می‌دهد که این دیدگاه، نه تنها ضدملی بلکه خطرناک است؛ چراکه در نهایت به وابسته‌سازی ایران به قدرت‌های بیگانه، تجزیه و تضعیف ساختار ملی کشور منجر می‌شود. افشاری، برخلاف خط تبلیغی رایج در ایران اینترنشنال، تأکید می‌کند: «هر کشوری که صرفاً براساس ارزیابی خودش و بدون توجه به نهادهای بین‌المللی اقدام پیش‌دستانه کند، به قانون جنگل برمی‌گرددیم. این یعنی بازگشت به وضعیت طبیعی دوران هابز و وضعیتی خطرناک که حتی اگر جمهوری اسلامی نباشد، ایران را به اقمار قدرت‌های بیگانه تبدیل می‌کند.» این هشدار بسیار کلیدی است؛ چراکه دقیقاً نقطه مقابل چیزی است که رسانه‌های ضدایرانی در حال القای آن هستند؛ اینکه «مهاجمان خارجی، کاری با مردم ایران ندارند.» گزاره‌ای که این روزها با صراحت خلافتش ثابت شد.



که دوست داشته باشد یا در بر خواهد گرفت. متأسفم، اما نمی‌شود آدم‌ها را با زور یا دستبند در امنیت نگاه‌داشت و حتی اگر می‌شد هم من چون زور یا دستبند ندارم کاری از‌م ساخته‌نبود. خود آدم‌ها باید عقل داشته باشند. دست‌کم در حد محافظت از جان خود و عز بزرانشان عقل داشته باشند.

نمی‌دانم خبر دارد یا نه. منابع مختلف و مورد اعتماد داخلی اعلام کردند که همین آدم‌های نادان که به این شبکه‌ها اعتماد می‌کنند و برای آنها عکس و فیلم می‌فرستند ندانسته با همین تصویرها به دشمن در گردآوری اطلاعات کمک کرده‌اند. خب آدم‌ها از کجا تصویر می‌گیرند؟ از نزدیک خانه و محل کارشان. دشمن اطلاعات کجا را از تصویرها استخراج می‌کند؟ همان‌جا. هدف بعدی باز کجا خواهد بود؟ همان‌جا. فکر می‌کنید نصیحت کردن چنین آدمی که دارد به شلیک به خانه خودش کمک می‌کند فایده‌ای دارد؟ فکر نمی‌کنم.

همان آدم نادان را در بر خواهد گرفت. متأسفم، اما نمی‌شود آدم‌ها را با زور یا دستبند در امنیت نگاه‌داشت و حتی اگر می‌شد هم من چون زور یا دستبند ندارم کاری از‌م ساخته‌نبود. خود آدم‌ها باید عقل داشته باشند. دست‌کم در حد محافظت از جان خود و عز بزرانشان عقل داشته باشند.

نمی‌دانم خبر دارد یا نه. منابع مختلف و مورد اعتماد داخلی اعلام کردند که همین آدم‌های نادان که به این شبکه‌ها اعتماد می‌کنند و برای آنها عکس و فیلم می‌فرستند ندانسته با همین تصویرها به دشمن در گردآوری اطلاعات کمک کرده‌اند. خب آدم‌ها از کجا تصویر می‌گیرند؟ از نزدیک خانه و محل کارشان. دشمن اطلاعات کجا را از تصویرها استخراج می‌کند؟ همان‌جا. هدف بعدی باز کجا خواهد بود؟ همان‌جا. فکر می‌کنید نصیحت کردن چنین آدمی که دارد به شلیک به خانه خودش کمک می‌کند فایده‌ای دارد؟ فکر نمی‌کنم.

دفاع تمام‌قد از حمله اسرائیل

امسا نکته مهم‌تر در این گفت‌وگو، نقش آفرینی فعال مجری شبکه ایران اینترنشنال به‌عنوان یک وکیل مدافع اسرائیل است. او با زیر سؤال بردن «میزان همفکری مردم ایران با موضوع افشاری»، با تکرار ادعاهایی بی‌پایه تلاش می‌کند تا افکار عمومی ایران را حامی تجاوز اسرائیل نشان دهد. او می‌پرسد: «اگر حملات اسرائیل باعث سقوط جمهوری اسلامی شود، شما در چه موقعیتی قرار می‌گیرید؟» این سؤال، نه یک سؤال خبری بلکه یک از‌زوی رسانه‌ای است که تلاش دارد تجاوز خارجی را نه‌تنها موجه بلکه «مطلوب» نشان دهد.

این پرسش از اساس، مغالطه‌آمیز و خطرناک است؛ چراکه فرض را بر این گذاشته که راه‌حل تغییر سیاسی در ایران، باید از لوله تفنگ اسرائیلی عبور کند و این همان نکته‌ای است که افشاری با وجود سابقه‌اش در اپوزیسیون آن را رد می‌کند: «هیچ مشروطیتی برای این نوع اقدامات اسرائیل وجود ندارد. ادعاهایی که مطرح شده بدون سند است. اگر جمهوری اسلامی تهدیدی داشته، باید در قالب نهادهای بین‌المللی پیگیری می‌شده، نه با بمباران خاک یک کشور مستقل.»

رسوایی روی آنتن زنده

افشاری در ادامه به موضوعی بسیار مهم اشاره می‌کند: «اسرائیل در دهه گذشته، نفوذ گسترده‌ای در عرصه سیاسی، رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی ایران داشته است. بخشی از موج‌های افکار عمومی که به‌ظاهر از داخل ایران می‌آید، کاملاً مصنوعی است و در نتیجه سرمایه‌گذاری هلدفمند اسرائیل در فضای سایبری است.» این بخش از سخنان افشاری به‌خوبی پرده از پروژه نفوذ روانی و تبلیغاتی اسرائیل در میان ایرانیان برمی‌دارد؛ همان پروژه‌ای که رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و منوتو ستون‌های رسانه‌ای آن هستند. در واقع، این رسانه‌ها نه تنها ابزاری برای «اطلاع‌رسانی» نیستند، بلکه خود در خدمت راه‌اندازی و تقویت این عملیات روانی و پروژه نفوذ هستند.

در بخش پایانی گفت‌وگو، افشاری تأکید می‌کند اسرائیل نه تنها با حکومت جمهوری اسلامی، بلکه با موجودیت ایران مستقل مشکل دارد: «تجزیه نشان داده که دولت اسرائیل حتی به سراغ گروه‌های افراطی تجزیه‌طلب هم رفته و آن‌ها را حمایت مالی و رسانه‌ای کرده است. این یعنی هدف نهایی، فقط تضعیف حکومت نیست، بلکه تضعیف و تجزیه ایران است.» این گفت‌وگو، اگرچه ظاهراً با هدف تحلیل وضعیت درگیری‌های اخیر انجام شده، اما در واقع، خود تبدیل به نمونه‌ای زنده از عملیات رسانه‌ای علیه ایران شده است. رسانه‌ای که حتی وقتی مهمانش یکی از چهره‌های منتقد جمهوری اسلامی است، باز هم نمی‌تواند موضع ملی و استقلال‌طلبانه را تحمل کند.

افشاری علی‌رغم سابقه‌اش در اپوزیسیون، نشان می‌دهد که مرز مخالفت با حکومت و همراهی با دشمنان کشور دو چیز متفاوت است. او نشان می‌دهد که می‌توان منتقد بود، اما همچنان میهن‌دوست، مستقل و اخلاق‌مدار ماند. در نقطه مقابل، رسانه‌ای مانند ایران اینترنشنال، بار دیگر ثابت می‌کند که نه رسانه‌ای آزاد، بلکه ابزار جنگ روانی دولت‌های متخاصم است. در ادامه روند تحریم این رسانه‌ها، این مصاحبه باید به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از تلاش برای فریب افکار عمومی ایران ثبت شود؛ رسانه‌ای که حتی وقتی روایتش با مخالفت مواجه می‌شود، سعی می‌کند مسیر گفت‌وگو را به نفع اسرائیل دستکاری کند.

کوروش علیانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ضد رسانه‌های فارسی‌زبان، سم کشنده و سم پاش دشمن هستند



زهرآ طیبی
خبرنگار گروه سیاست

شبه‌رسانه‌هایی که در میانه ناآرامی‌های ۱۴۰۱، بار سنگین جنگ ترکیبی علیه کشور را به دوش می‌کشیدند و در آشوب افکنی و ناآرام‌سازی شناسنامه‌دار بوده و هستند، حالا با شروع تجاوزات اسرائیل بار دیگر ماشین تولید اخبار جعلی را برای راه‌رفتن روی روان مردم فعال کردند. ایجاد احساس ترس و نگرانی در افکار عمومی با کلمات، تخصص چندین ساله آنهاست. اعتماد به محتوای این رسانه‌ها و دنبال کردن آنها، افتادن در همان دامی است که برای افکار عمومی ایرانی‌ها پهن کرده‌اند. این موضوع اهمیت توجه به این مسئله را دو برابر می‌کند که باید در فضای رسانه‌ای داخلی نبض جامعه را در دست گرفت و برای افکار عمومی ثابت کرد که اتاق فکرهای این رسانه‌ها مستقیماً به دشمنان ایران می‌رسد. در چند روز گذشته، صهیونیست‌ها با انتشار هشدارهایی در این مورد که اگر نزدیک کارخانه‌ها و تولید تسلیحات نظامی و پیشرفته‌ای هستند از آنها فاصله بگیرند آن‌هم با این هدف که اگر در تجاوزات، مردم عادی کشته شدند، آن را با این هشدار توجیه کنند، رسانه‌های فارسی‌زبان هم در ادامه روی همین خطر رسانه‌ای حرکت کردند به این معنا که درگیری رژیم صهیونیستی نه‌با مردم ایران که با نظام حکمرانی ایران است، درحالی‌که نگاهی به نقاطی که رژیم صهیونیستی در چند روز گذشته مورد تجاوز قرار داده اثبات می‌کند که برای صهیونیست‌ها این مردم و نظام حکمرانی، تمایزی وجود ندارد. نکته دیگر آنکه در سال‌های پیشین و به‌خصوص در میانه ناآرامی‌ها و آشوب‌های سال ۱۴۰۱ انتشار تصاویر دیداری صریح از خبرنگاران این شبه‌رسانه‌ها با وزیر اطلاعات اسرائیل، نقاب را از چهره آنها کنار زد و اثبات کرد که آنها به نام مردم ایران در زمین دشمنان ایران بازی می‌کنند. این تنها ساختمان‌ها نیستند که در لندن و اوریکا قرار گرفتند، اتاق‌های فکر و محتوای رسانه‌ای که منتشر می‌شود نیز از جانب همین کشورها هدایت می‌شود و در ازای این انجام وظیفه هم فاند دریافت می‌کنند. تقریباً همه چیز این رسانه‌ها به جز زبان شبه‌خبرنگاران به صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و دیگر دشمنان ایران تعلق دارد. محتوایی هم که این رسانه‌ها از جمله اینترنشنال منتشر می‌کنند، فاصله‌ای قابل توجه با اخلاق رسانه‌ای و حرفه‌ای دارد. همان‌طور که در میانه ناآرامی‌های ۱۴۰۱ به‌وضوح از تجزیه‌بیران می‌گفتند، حالا هم برای تجاوزات صهیونیست‌ها خوشحالی می‌کنند. با نگاهی به هویت این رسانه‌ها، اعتماد به این شبه‌رسانه‌ها و انتخاب آنها به‌عنوان منبعی به نام رسانه، شبیه به خودکشی است. اگر پیش از این روشناسان و کارشناسان به این موضوع اشاره می‌کردند که دنبال کردن

چرا باید رسانه‌های فارسی زبان حامی تجاوز به ایران را تحریم کرد؟

سوال عجیبی است. انکار یکی از شما پرسد چرا باید از خوردن سم پرهیز کنم؟ بایدی در کار نیست. هیچ کس را بابت خوردن سم دستگیر یا اعدام نمی‌کنند. سم خودش کشنده است. یکی یک تشکیلات تبلیغاتی درست کرده و تبلیغ می‌کند برای اینکه دشمنان و مفتنان شما را با یبب بکشند. کسی هست